

پایداری اسناد هیجانی اخلاقی پس از یادآوری در کودکان: قربانی کننده شاد

Stability of Moral Emotion Attribution after Recall in Children:
Happy Victimizer

Hamed Moslehi
PhD Candidate in
Educational Psychology
University of Tehran

Shole Amiri, PhD
University of Isfahan

شعله امیری*
استاد گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی
دانشگاه اصفهان

حامد مصلحی
دانشجو دکتری روان‌شناسی تربیتی
دانشگاه تهران

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین اثر یادآوری بر تغییرات اسناد هیجانی اخلاقی در کودکان انجام شد. تعداد ۱۳۹ نفر از کودکان ۶ تا ۱۰ ساله شهر اصفهان که در کلاس‌ها و مجامع درسی، ورزشی و مذهبی شرکت داشتند با روش دردسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از دو داستان اخلاقی هل دادن (نونر-وینکلر و سودیان، ۱۹۸۸) و دزدی کردن (آرسنیو و کرامر، ۱۹۹۲)، و مصاحبه با کودکان جمع‌آوری و با استفاده از آزمون کای اسکوئر و آزمون Z تفاوت بین دو نسبت همبسته تحلیل شد. نتایج نشان داد که یادآوری، اسناد هیجانی اخلاقی کودکان قربانی کننده شاد را از شادی به ناراحتی تغییر می‌دهد. بنابراین کودکان قربانی کننده شاد در ابتدا بر اساس واکنش‌های هیجانی پاسخ می‌دهند اما یادآوری به آن‌ها کمک می‌کند تا بتوانند از خود عالی که در مفاهیم و دیدگاه‌های اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است استفاده کرده و هیجان شادی را به ناراحتی تبدیل کنند.

واژه‌های کلیدی: قربانی کننده شاد، اسناد هیجان اخلاقی، کودکان

Abstract

This study aimed to investigate the effectiveness of recall on moral emotional attribution change. In the base of available sampling method, the participants were 139 boys from six to ten years old from academic, sport, and religious classes and clubs in Isfahan. Data were collected through two moral scenarios of Pushing (Nunner-Winkler & Sodian, 1988) and Stealing (Arsenio & Kramer, 1992) and interview with children and then analyzed by Chi Squire and Z- Test of paired ratios difference. Results indicated that recall changed moral emotional attributions from happiness to sadness. Thus, happy victimizer children respond based on emotional reaction, but recall helped them use the excellent self. This content has a special place in Islamic perspectives and children used it to be oriented from happiness to sadness.

Keywords: happy victimizer, moral emotional attribution, children

received: 09 May 2018

accepted: 23 September 2019

Contact information: shole_amiri@yahoo.com

دریافت: ۹۷/۰۲/۱۹

پذیرش: ۹۸/۰۷/۰۱

این مقاله بر گرفته از رساله دکتری رشته روان‌شناسی تربیتی است.

مشکل ساز می‌شود. در مقابل، اسناددهی عواطف منفی که نشان‌دهنده حالات مختلف مانند احساس گناه یا همدلی است، پیش‌بین رفتار پسندیده اجتماعی^۲ در آینده است (آرسنیو ۲۰۱۰).

مینامیر (۲۰۱۲) با بررسی عوامل مؤثر بر فرایند اسناددهی اخلاقی هیجان و دیدگاه‌های مختلف در تبیین این پدیده کوشیده است به این پرسش پاسخ دهد که چرا کودکان به‌رغم آنکه می‌دانند قربانی‌کننده، رفتار ناپه‌نجان و غیراخلاقی دارد، هیجان‌های مثبتی را به او نسبت می‌دهند. این پدیده عمدتاً به‌عنوان نمود انگیزه اخلاقی یا رشدنایافتگی خود اخلاقی^۳ و قربانی‌کننده شاد یک مسئله آموزشی، و به‌مثابه فاصله بین قضاوت اخلاقی^۴ و عملکرد اخلاقی^۵ توصیف شده است (مینامیر، ۲۰۱۲).

در نظریه‌های جدید روان‌شناسی اخلاق به نقش هیجان در تصمیم‌گیری و رفتار، اهتمام ویژه‌ای شده است و در سال‌های گذشته، کانون اصلی روی آورد تحولی در روان‌شناسی اخلاق، موضوع اسناد هیجان اخلاقی بوده است (آرسنیو^۶، گلد^۷ و آدامز^۸، ۲۰۰۶ نقل از مالتی و کرتانور، ۲۰۱۳) بر اساس این نظریه‌ها، هیجان منفی (شرم، احساس گناه) همراه نقض هنجارهای اخلاقی و هیجان مثبت (غرور، شادی) همراه انجام اعمال اخلاقی را می‌توان شاخصی از انگیزش برای رعایت هنجارهای اخلاقی تلقی کرد (کرتانور و دیگران، ۲۰۱۱؛ نیکولز، ۲۰۰۲؛ هافمن، ۲۰۰۰). تجربه چنین هیجان‌هایی به‌منزله عامل درونی‌سازی^۹، متعهد بودن و اطاعت از هنجارهای اخلاقی در نظر گرفته می‌شوند، حتی در موقعیت‌هایی که نقض هنجارهای اخلاقی منجر به تنبیه برونی نشود و عامل بازدارنده برونی برای جلوگیری از نقض هنجار اخلاقی وجود ندارد (کیلر، ۲۰۰۴). اعتقاد بر این است که در پدیده قربانی‌کننده شاد، اسناد هیجان اخلاقی را می‌توان شاخصی از انگیزش اخلاقی افراد قلمداد کرد (نونر-وینکلر، ۲۰۰۷). افزون بر آن، فرض بر این است که انتساب هیجان اخلاقی منفی به قربانی‌کننده، نقش مهمی در شکل‌دهی به رفتار اخلاقی متناسب دارد (مالتی و کرتانور، ۲۰۱۳).

برخی از پژوهشگران برای کاهش این پدیده به عامل تأخیر^{۱۰}

یکی از ابعاد جالب توجه در پژوهش‌های مرتبط با هیجان اخلاقی و اسناد آن، پدیده قربانی‌کننده شاد^۱ است. این پدیده به الگویی از اسناد اخلاقی هیجان اشاره دارد که عمدتاً در کودکان چهار تا هشت‌ساله و گاه تا پایان دوره کودکی مشاهده می‌شود (کیلر، لرنکو، مالتی و سالبج، ۲۰۰۳). بر اساس این الگو، کودک عواطف مثبت یعنی شادی را به فردی که مرتکب عمل غیراخلاقی شده نسبت می‌دهد؛ هرچند که رفتار او را غیراخلاقی می‌داند (مالتی، ۲۰۱۲).

پژوهشگران بسیاری از جمله کرتانور، ژیا و مسله (۲۰۱۱)، مالتی (۲۰۱۲)، نونر-وینکلر (۲۰۰۷، ۲۰۰۹) با بررسی پدیده قربانی‌کننده شاد به‌عنوان یکی از الگوهای اسناد هیجان اخلاقی (آرسنیو، آدامز و گلد، ۲۰۰۹؛ اسمیت، چن و هاریس، ۲۰۱۰) دریافتند که کودکان خردسال هیجان‌های مثبتی را به فردی که رفتار اشتباه اخلاقی انجام می‌دهد نسبت می‌دهند (آرسنیو و کرامر، ۱۹۹۲؛ مورگاتروی و رایسنسون، ۱۹۹۳، ۱۹۹۷؛ ویرسما و لاپا، ۲۰۰۰). اگرچه این پدیده معمولاً در خلال کودکی و میانه نوجوانی مشاهده می‌شود، بزرگسالان نیز در برخی موقعیت‌های خاص از اصول قربانی‌کننده شاد استفاده می‌کنند (امیری، ۱۳۹۱؛ مینامیر و اشمیت، ۲۰۱۳)؛ برای مثال، وقتی از کودکان خواسته می‌شود که در مورد عواطف فردی پس از ارتکاب یک عمل غیراخلاقی مانند دزدی صحبت کنند، به‌رغم داشتن توانایی همدلی، آگاهی از قوانین اخلاقی، و ارتباط عاطفی با دیگران، هیجان‌های مثبتی را به وی نسبت می‌دهند. با این حال، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که با افزایش سن، میزان این اسنادهای مثبت کاهش و گزارش اسنادهای منفی در مورد عواطف فرد متخلف افزایش می‌یابد (مینامیر، ۲۰۱۰). این اسنادها به این دلیل اهمیت دارد که کودک با تکیه بر آن‌ها، نتایج رفتارهای اخلاقی-اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند و بر اساس آن، رفتار خود را به شکل سازش‌یافته‌تری آشکار می‌سازد؛ بنابراین در آینده گرایش‌های رفتاری اخلاقی در کودک شکل می‌گیرد. افزون بر آن، شواهد متعددی نشان می‌دهد اگر پرخاشگری آشکارنشده کودک با انتظاراتی همراه باشد که کودک نسبت به آن عواطف مثبت دارد، این مسئله برای وی

1. happy victimizer phenomenon
2. prosocial
3. moral self
4. moral judgment

5. moral action
6. Arsenio, W. F.
7. Gold, E.
8. Adams, G.

9. internalizing
10. delay

است، زیرا کودک خوشحالی خود دانی را کشف کرده و خوشحالی خود عالی را نادیده گرفته است. این نکته را می‌توان از اظهارات کودکانی دریافت که گزارش داده‌اند خوشحالی به دلیل رسیدن به خواسته است (گامروم و دیگران، ۲۰۱۶)؛ یعنی خواسته‌ها و منافع خود دانی تحقق یافته و این خوشحالی ناشی از دستیابی خود دانی به منافع است.

با این وصف، راهکار خروج از اسناد شادی خود دانی که در پی رفتار غیراخلاقی روی می‌دهد، یادآوری موقعیت غیراخلاقی در موقعیت دیگری است که منافع خود دانی کمتر یا در ذهن کمتر است؛ این امر به یادآوری خود عالی و مسیر پیشرفت آن منجر می‌شود (صدر، ۱۳۹۳). اثربخشی یادآوری حاکی از وجود ساختارهای درونی انسان است که بدون آموزش قبلی، اثر مثبت اخلاقی دارند؛ بنابراین، شناخت تبیین اسلام از یادآوری برای تبیین این پدیده ضروری است و اندیشمندان اسلامی، از جمله آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۷۸) یادآوری را از عوامل مهم تربیتی از منظر اسلام دانسته‌اند.

تذکر (و یادآوری) که روشی برگرفته از قرآن است، عبارت است از گفتار یا رفتاری که از مربی سر می‌زند تا مرتبی را نسبت به آنچه از یاد برده، از آن غفلت کرده، یا از آن بی‌خبر است آگاه سازد و احساس‌های او را در قبال آن‌ها برانگیزد. نتیجه این روش، هوشیار شدن و متذکر شدن مرتبی است (قائمی‌مقدم، ۱۳۸۷). به نظر می‌رسد کودکی که پدیده قربانی‌کننده شاد را نشان می‌دهد، با پررنگ شدن یادآوری گرایش‌های درونی یا همان هیجان‌های اخلاقی پیچیده، می‌تواند اسنادهای هیجانی اخلاقی را به دور از قربانی‌کننده شاد تجربه کند.

بر مبنای چارچوب نظری اسلامی از خود عالی و خود دانی، تفکیک بین موفقیت کسب‌شده در موقعیت غیراخلاقی با خود رفتار غیراخلاقی از اهمیت بسیاری برخوردار است. اگرچه افراد رفتار غیراخلاقی را می‌شناسند و آن را غیراخلاقی و منفی ارزیابی می‌کنند، توانایی نادیده‌گرفتن موفقیت کسب‌شده در موقعیت غیراخلاقی را نیز ندارند. فردی که دزدی کرده، همزمان دارای دو هیجان است؛ ناراحتی از رفتار غیراخلاقی که انجام داده و خوشحالی از این که تصمیم او به نتیجه رسیده است. فرض بر این است که یادآوری موجب فعال شدن قضاوت فطری اخلاقی فرد

و مهلت دادن متوسل شده‌اند (دیاموند، کرکام و آمزو، ۲۰۰۲) و بر این باورند مهلت دادن، امکان قضاوت اخلاقی‌تری را به کودکان می‌دهد. برخی دیگر نیز هویت اخلاقی را تبیینی از تغییرات اسناد قربانی‌کننده شاد به ناشاد دانسته‌اند (رید، اکینو و لوی، ۲۰۰۷).

تعالیم اسلامی در مورد اسناد هیجان اخلاقی، به مسئله قضاوت‌های اخلاقی درونی و فطری (مطهری، ۱۳۷۰) پرداخته است. چنانکه آیات قرآن بیان می‌کند قضاوت اخلاقی در مورد رفتارهای خوب و بد در همه انسان‌ها وجود دارد (قرآن، سوره الشمس، آیه ۷ و ۸). همچنین این مفهوم در روایات اسلامی نیز به صراحت وارد شده است (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۷، ص ۱۶۶).

در اسلام، چارچوبی نظری بر مبنای وجود دو خود در انسان به نام‌های خود عالی و خود دانی وجود دارد. در واقع انسان از منظر اسلامی دو جنبه از خود با عناوینی شبیه خود عالی و خود دانی، فطرت و نفس، جنبه علوی و جنبه سفلی، حیوانیت و انسانیت دارد. انسان برخلاف تصور، یک شخص نیست؛ البته یک شخص واحد، اما مرکب و غیر بسیط است؛ یعنی هر فرد در آن واحد، هم جماد، هم گیاه، هم حیوان شهوانی، هم حیوان درنده، هم شیطان و هم فرشته است (مطهری، ۱۳۷۳). هر یک از این جنبه‌های خود، خواسته‌های خاص خود را به انسان عرضه می‌کند و انسان در نهایت با اراده خود از بین این خواسته‌ها تصمیم می‌گیرد (مطهری، ۱۳۷۲). خواسته‌های انسانی متعارض هستند؛ فطرت، خواسته‌هایی دارد که انسان را به سمت رفتار اخلاقی سوق می‌دهد و این خواسته‌ها در بسیاری از اوقات، با خواسته‌های جنبه دانی انسان تعارض دارند؛ برای مثال، زمانی که منافع شخصی انسان، او را به سمت اقدامی غیراخلاقی می‌کشاند، بین این دو ساختار تعارض ایجاد شده است. فطرتی که درخواست اخلاقی دارد و خود دانی که منافع انسانی را گاهی برخلاف این فطرت اخلاقی درخواست می‌کند؛ یعنی منافع در برابر مصالح (طباطبایی، بی‌تا). طبیعی است که اگر هر یک از این درخواست‌ها به نتیجه برسد، خوشحالی مختص به خود را برای ساختار خود در پی دارد (قمی، ۱۴۱۲)؛ بنابراین، این پدیده که کودک یا بزرگسال، هیجان‌های مثبتی را به فرد قربانی‌کننده پس از انجام عمل قربانی کردن نسبت دهد، کاملاً مورد انتظار

هل دادن یا دزدیدن خوراکی کودک دیگر). تصاویر به گونه‌ای طراحی شده بود که هیجان فرد قربانی کننده برای آزمودنی چندان مشخص نباشد؛ به نحوی که هیجان در چهره قربانی کننده معین نبود یا چهره در تصویر مشخص نشده بود. از آنجاکه جامعه آماری کودکان پسر بودند، در طراحی تصاویر از کودکان پسر هم‌سن یا در محدوده سنی آن‌ها استفاده شد. برای حفظ هماهنگی داستان‌ها و جلوگیری از سوگیری، هر دو داستان توسط یک راوی برای کودک تعریف می‌شد و سپس پرسش‌های مربوط به آن‌ها پرسیده می‌شد. همچنین کوشش شد که دو داستان از لحاظ سبک روایت و محتوا تا حد ممکن شبیه باشند. در پایان هر داستان، از کودک خواسته می‌شد تا هیجان شخصیت قربانی کننده داستان را بیان کند، سپس خود را به جای شخصیت قربانی کننده داستان قرار دهد و هیجان خودش را در این موقعیت توصیف کند. در پرسش سوم از او پرسیده می‌شد که اگر قربانی کننده شب پیش از خواب، به یاد کاری که امروز انجام داد بیفتد، چه حسی خواهد داشت. برای رفع هرگونه سوگیری، پرسش‌ها با ترتیب مختلفی در مصاحبه‌های مختلف به کار گرفته شدند.

داستان هل دادن^۱ (نونر- وینکلر و سودیان، ۱۹۸۸). داستان هل دادن کودک از روی اسباب‌بازی عبارت است از: در پارک یک الاکلنگ خالی بود. مصطفی و برادرش در حال الاکلنگ‌بازی در پارک هستند. نیما به آن‌ها نزدیک می‌شود و می‌خواهد الاکلنگ‌بازی کند. نیما مصطفی را هل می‌دهد، او را از روی الاکلنگ به زمین می‌اندازد و خودش به جای او می‌نشیند. نیما در حال بازی با الاکلنگ است.

داستان دزدی^۲ (آرینیو و کرامر، ۱۹۹۲). داستان دزدی عبارت است از: محمد وارد کلاس می‌شود. کیفش را داخل کلاس می‌گذارد. محمد از کلاس خارج می‌شود و کیف را داخل کلاس می‌گذارد. حامد وارد کلاس می‌شود، خوراکی محمد را از کیف او برمی‌دارد و شروع به خوردن می‌کند. محمد وارد کلاس می‌شود و می‌بیند که خوراکی او داخل کیفش نیست.

پرسش‌های مصاحبه بررسی تحولی پدیده قربانی کننده شاد در کودکان به شرح زیر است:

می‌شود و بر این پدیده مؤثر است. چارچوب نظری برای راهکار «یادآوری»، استفاده از منابع دینی به عنوان قضاوت درونی فطری است (جوادی آملی، ۱۳۷۸؛ قائمی مقدم، ۱۳۸۷). با توجه به آنچه پیشتر بیان شد، هدف این پژوهش پاسخ به این پرسش است که آیا یادآوری می‌تواند اسناد هیجانی اخلاقی کودک قربانی کننده شاد را تغییر دهد؟

روش

شرکت‌کنندگان در این پژوهش، ۱۳۹ کودک پسر در مراکز آموزشی ویژه کودکان ۶ تا ۱۰ ساله شهر اصفهان بودند که با روش نمونه‌برداری دردسترس انتخاب و مصاحبه شدند. از آنجاکه این کودکان در فصل تابستان در مراکز پیش‌دبستانی یا دبستان حضور نداشتند، از کلاس‌های تابستانی، مساجد و پارک‌ها برای انتخاب نمونه دردسترس استفاده شد. این نمونه متشکل از یک مرکز پیش‌دبستانی و دبستان، دو کلاس و آکادمی والیبال، یک کلاس ژیمناستیک، یک کلاس جودو، یک کلاس نینجا، یکی از پارک‌های عمومی کودکان و کودکان نمازگزار یکی از مساجد شهر اصفهان بود. ملاک‌های ورود به پژوهش، گستره سنی ۶ تا ۱۰ سال، نداشتن تأخیر تحولی عصب‌روان‌شناختی مشخص، داشتن زبان مادری فارسی، و رضایت والدین یا اولیای مدرسه برای انجام پژوهش بود. ۱۳ مصاحبه به دلیل موارد زیر فاقد اعتبار بود: ۱) کودک توان درک مسئله را نداشت یا دستیار پژوهشگر نتوانسته بود مطلب را به وی تفهیم کند؛ ۲) کودک نتوانسته بود به پرسش‌ها پاسخ دهد؛ و ۳) پاسخ‌های کودک، ناشی از درک نادرست داستان بود. میانگین و انحراف استاندارد سنی این کودکان به ترتیب ۷/۸۷ و ۰/۹۸ بود.

برای اندازه‌گیری اسناد هیجانی اخلاقی، از دو داستان «هل دادن» و داستان «دزدی» (کیلر و دیگران، ۲۰۰۳؛ گامروم و دیگران، ۲۰۱۶؛ مالتی، ۲۰۰۷؛ نونر- وینکلر و سودیان، ۱۹۸۸)، و بومی‌سازی آن‌ها (محسنی، ۱۳۷۸) با اندکی تغییر در تصاویر و نام‌ها استفاده شد. این داستان‌ها به صورت چند تصویر متوالی همراه با توضیحات آزمایشگر به کودکان ارائه می‌شد. در هر داستان، شخصیت قربانی کننده عمل خلافی را انجام می‌دهد

جدول ۱

نمره‌گذاری اسناد کودک

پاسخ کودک	قربانی‌کننده شاد	قربانی‌کننده ناشاد
۱. حس خوبی داره	✓	
۲. بدجنسه و خوشحاله	✓	
۳. غرور و خوشحالی	✓	
۴. خوشحاله	✓	
۵. اولش خوشحاله اما بعداً ناراحت میشه	✓	
۶. احساس گناه داره		✓
۷. عذاب وجدان داره		✓
۸. حس بدی داره		✓
۹. ناراحته		✓
۱۰. پشیمانی		✓

شاید به نظر برسد پاسخ‌های شبیه پاسخ ۵ تلفیقی از قربانی‌کننده شاد و قربانی‌کننده ناشاد هستند، اما از آنجا که این کودکان، خوشحالی را گزارش کرده‌اند، اسناد شادی اسناد دقیق‌تری تشخیص داده شد و به همین دلیل کودکانی با این پاسخ نیز در ذیل قربانی‌کننده شاد شناخته شدند. در واقع وقتی کودک گزارش می‌دهد که بعداً ناراحت می‌شود، یعنی ابتدا پرسش یک را پاسخ داده و همزمان به پرسش سوم نیز پاسخ گفته است؛ بنابراین چنین پاسخی باید به‌عنوان خوشحالی در نظر گرفته شود.

با توجه به اسمی بودن متغیرهای مورد بررسی، فراوانی و جدول‌ها استخراج شد. برای اسناد اول‌شخص و پاسخ به پرسش بالا، در داستان هل دادن کودک از الاکلنگ، ۱۲۱ پاسخ معتبر ثبت شد که ۳۶ پاسخ شاد و ۸۵ پاسخ ناشاد بود. همچنین در داستان دزدی خوراکی، ۸۳ پاسخ معتبر ثبت شد که ۳۱ پاسخ شاد و ۵۲ پاسخ ناشاد بود (جدول ۲).

جدول ۲

توزیع فراوانی اسناد اول‌شخص به تفکیک دو داستان

نوع داستان	تعداد پاسخ‌های معتبر	نوع پاسخ	فراوانی پاسخ‌ها	درصد فراوانی پاسخ‌ها
هل دادن	۱۲۱	شاد	۳۶	۲۹/۸
		ناشاد	۸۵	۷۰/۲
دزدی	۸۳	شاد	۳۱	۷۳/۳
		ناشاد	۵۲	۶۲/۷

۱. به نظرت نیما (حامد) چه حسی دارد؟ چرا؟

۲. اگر خودت جای نیما (حامد) بودی چه حسی داشتی؟ چرا؟

۳. شب وقت خواب، اگر نیما (حامد) به یاد اتفاق امروز صبح

بیافتد، چه حسی خواهد داشت؟ چرا؟

پرسش‌های اول و دوم، پرسش‌های استاندارد مورد استفاده برای کشف پاسخ‌های قربانی‌کننده شاد و پرسش سوم به‌منظور آزمون فرضیه پژوهشی و بر اساس چارچوب نظری خود عالی و خود دانی طراحی شده است و دو موقعیت موفقیت و رفتار غیراخلاقی را از هم متمایز می‌کند. از پرسش سوم برای نخستین بار در ادبیات پژوهشی مربوط به پدیده قربانی‌کننده شاد استفاده شده است.

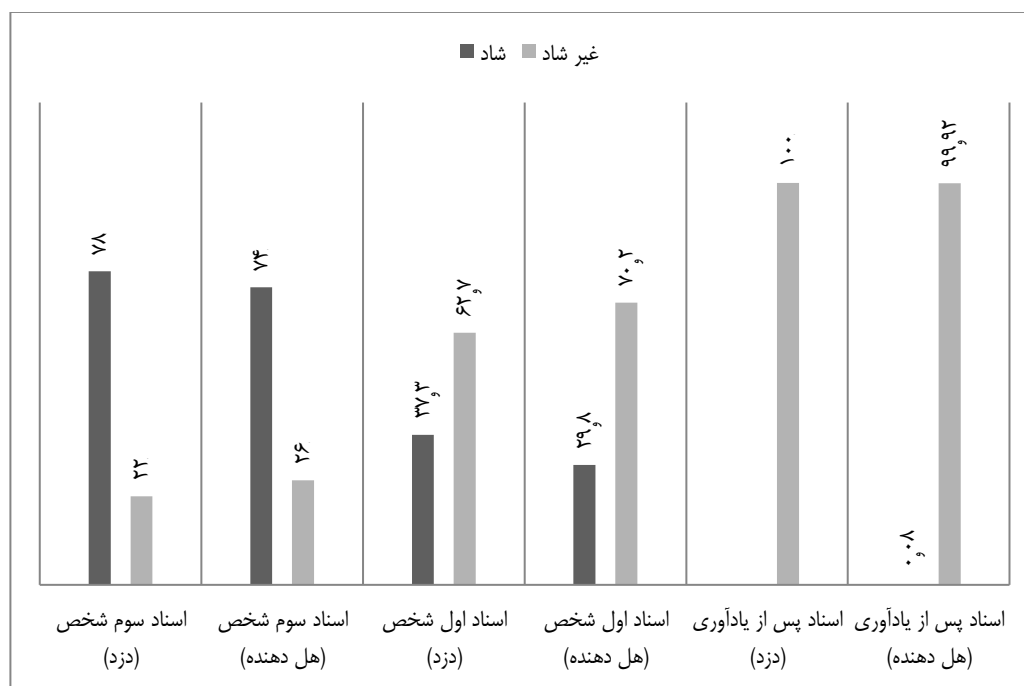
پرسش اول، برای کشف اسناد سوم‌شخص است و از کودک انتظار دارد هیجانی را که تشخیص می‌دهد به فرد دیگر نسبت دهد. پرسش دوم، با عنوان اسناد اول‌شخص شناخته می‌شود که کودک را در جایگاه خاصی فرض می‌کند و از او می‌پرسد که در این موقعیت چه هیجانی داشته است. پرسش سوم در این پژوهش به‌عنوان پرسش یادآوری معرفی می‌شود و اسناد سوم‌شخص را در موقعیت پس از یادآوری می‌پرسد.

پس از کسب اجازه از مراکز و والدین کودکان جهت شرکت آن‌ها در پژوهش، انتخاب نمونه و جلب رضایت کودک برای مصاحبه، برای اجرای پژوهش نخست داستان هل دادن کودک از روی الاکلنگ و سپس داستان دزدیده شدن خوراکی، توسط مصاحبه‌کننده روایت شد. سپس سه پرسش از کودک، پرسیده و پاسخ‌های وی ثبت شد. نمره‌گذاری پاسخ‌ها توسط فرد دیگری غیر از پژوهشگر صورت گرفت. در این پژوهش، داده‌ها با استفاده از آزمون مجذور خی و آزمون معنادار بودن تفاوت بین دو نسبت همبسته^۱ تحلیل شد.

یافته‌ها

با توجه به نیمه‌ساختاریافته بودن مصاحبه انجام‌شده، ابتدا پاسخ‌های کودکان ارزیابی شد و برحسب وجود حس مثبت (قربانی‌کننده شاد) یا منفی از یکدیگر تفکیک و در دو سطح اسمی قربانی‌کننده شاد و قربانی‌کننده ناشاد نمره‌گذاری شدند (جدول ۱).

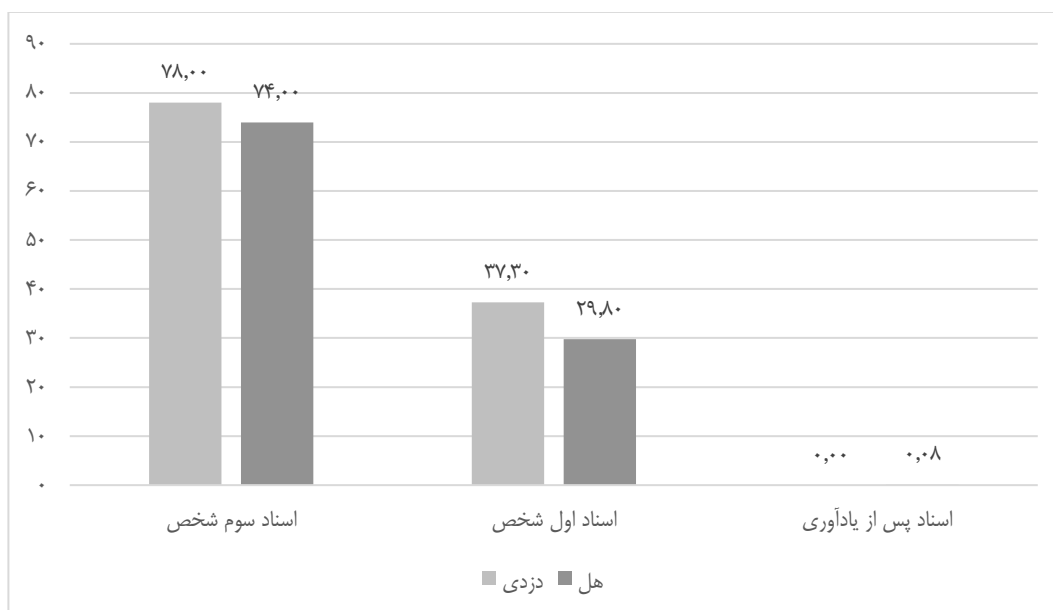
شکل ۱ مقایسه کلی بین درصد پاسخ افراد به هر سه پرسش و بررسی هر سه اسناد ارائه شده را نشان می دهد.



شکل ۱. مقایسه درصد اسنادهای اول شخص، سوم شخص و پس از یادآوری در دو داستان

سوم شخص، بیشترین استناد و در اسناد شادی پس از یادآوری، کمترین اسناد را داشته است.

نتایج مصاحبه ها برای هر سه پرسش بر مبنای اسناد شادی در شکل ۲ آمده است که بر اساس آن، اسناد شادی، در وضعیت



شکل ۲. مقایسه میزان اسناد شادی در سه اسناد اول شخص، سوم شخص و پس از یادآوری در دو داستان

داستان بررسی شد. همان طور که در اسناد شادی سه پرسش

فراوانی پاسخ های شاد و ناشاد برای پرسش های اول و سوم هر

پس از یادآوری، تنها یک پاسخ شاد (۰/۰۸ درصد) و ۱۲۲ پاسخ ناشاد (۹۹/۹۲ درصد) ثبت شده است. جدول توافقی پاسخ‌های ثبت شده کودکان در اسناد اول شخص و اسناد پس از یادآوری در داستان هل دادن کودک از روی الاکلنگ در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴

فراوانی اسناد اول شخص و اسناد پس از یادآوری در داستان هل دادن			
اسناد پس از یادآوری			
	ناشاد	شاد	
اسناد اول شخص	شاد	۳۳	۱
	ناشاد	۸۵	۰

پاسخ چهار آزمودنی فقط در یک پرسش قابل نمره‌گذاری بود؛ بنابراین جمع کلی جدول توافقی بالا ۱۱۹ است. در این جدول فقط افرادی لحاظ شده‌اند که پاسخ آن‌ها به هر دو پرسش ثبت شده است. چهار نفر از ۱۲۳ نفر به یکی از پرسش‌های دوم یا سوم پاسخ نداده بودند. بر اساس نتایج معناداری تفاوت بین دو نسبت همبسته، مقدار Z برابر ۵۰/۵۸ به دست آمد که نتیجه گرفت بین دو نسبت به دست آمده در اسناد اول شخص و اسناد پس از یادآوری در داستان هل دادن در سطح ۰/۰۱ تفاوت معنادار وجود دارد.

در داستان دزدیدن خوراکی، از ۸۲ پاسخ معتبر برای اسناد سوم شخص، ۶۴ پاسخ شاد (۷۸ درصد) و ۱۶ پاسخ ناشاد (۲۲ درصد) بود. در اسناد پس از یادآوری، از ۷۸ پاسخ معتبر ثبت شده، همگی ناشاد بودند. برای تحلیل نتایج و بررسی معنادار بودن تفاوت دو نسبت، از آزمون معنادار بودن تفاوت بین دو نسبت همبسته استفاده شد. جدول توافقی پاسخ‌های ثبت شده کودکان در اسناد سوم شخص و اسناد پس از یادآوری در داستان دزدی خوراکی در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵

فراوانی اسناد سوم شخص و اسناد پس از یادآوری در داستان دزدی			
اسناد پس از یادآوری			
	ناشاد	شاد	
اسناد سوم شخص	شاد	۶۰	۰
	ناشاد	۱۷	۰

مشخص شده است (نمودار ۱)، تمامی پاسخ کودکان به پرسش سوم یعنی سنجش اسناد پس از یادآوری، در یکی از داستان‌ها محتوای ناشاد داشته است، به همین دلیل برای بررسی معناداری تفاوت‌ها از آزمون Z تفاوت بین دو نسبت همبسته استفاده شد؛ بنابراین نسبت پاسخ‌های شاد به کل پاسخ‌ها استخراج و معناداری تفاوت بین دو نسبت همبسته محاسبه شد.

در داستان هل دادن کودک از روی الاکلنگ، از ۱۲۳ پاسخ معتبر برای پرسش یک (اسناد سوم شخص)، ۹۱ پاسخ شاد (۷۳ درصد) و ۳۲ پاسخ ناشاد (۲۷ درصد) بود، درحالی که برای پرسش سوم (اسناد پس از یادآوری)، تنها یک پاسخ شاد (۰/۰۸ درصد) و ۱۲۲ پاسخ ناشاد (۹۹/۹۲ درصد) ثبت شده است. از آنجاکه این دو نسبت متعلق به یک نمونه است، به منظور آزمون فرضیه از آزمون معنادار بودن تفاوت بین دو نسبت همبسته استفاده شد. جدول توافقی پاسخ‌های کودکان در اسناد سوم شخص و اسناد پس از یادآوری در داستان هل دادن کودک از روی الاکلنگ در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳

فراوانی اسناد سوم شخص و اسناد پس از یادآوری در داستان هل دادن			
اسناد پس از یادآوری			
	ناشاد	شاد	
اسناد سوم شخص	شاد	۸۸	۰
	ناشاد	۳۲	۱

پاسخ دو نفر از آزمودنی‌ها فقط در یک سؤال قابل نمره‌گذاری و جمع کلی جدول توافقی بالا ۱۲۱ بود. در این جدول فقط افرادی لحاظ شده‌اند که پاسخ آن‌ها به هر دو سؤال ثبت شده باشد. دو نفر از ۱۲۳ نفر به یکی از سؤال یک یا سه پاسخ نداده بودند.

بر اساس نتایج معناداری تفاوت بین دو نسبت همبسته، مقدار Z برابر ۱۵/۸۶ به دست آمد که با توجه به مقدار آن از ۲/۵۷ بزرگ‌تر است می‌توان نتیجه گرفت بین دو نسبت به دست آمده در اسناد سوم شخص و اسناد پس از یادآوری در داستان هل دادن در سطح ۰/۰۱ تفاوت معنادار وجود دارد.

در داستان هل دادن کودک از روی الاکلنگ، از ۱۲۲ پاسخ معتبر برای پرسش دوم (اسناد اول شخص)، ۳۶ پاسخ شاد (۲۹ درصد) و ۸۶ پاسخ ناشاد (۷۱ درصد) بود، درحالی که برای پرسش سوم یعنی اسناد

اسناد شادی را به کار می‌گیرد، اما در موقعیت یادآوری که دورتر از موقعیت غیراخلاقی و کسب منافع است، اسناد شادی کاهش معنادار می‌یابد. این یافته همسو با چارچوب نظری اسلامی از خود عالی و خود دانی (مطهری، ۱۳۷۳) و در راستای تبیین برخی از کودکان در مورد علت شادی است که دلیل آن را رسیدن به خواسته می‌دانند (گامروم و دیگران، ۲۰۱۶). دستیاران پژوهشگر نیز گزارش کرده‌اند، قربانی کننده اراده کرده است روی الاکلنگ بنشیند و نشسته است؛ یا اراده کرده است خوراکی دیگران را بخورد و خورده است. او به خواسته خود دست یافته و به همین علت خوشحال است. چنین هیجانی کاملاً طبیعی و اسنادی کاملاً قابل انتظار است، زیرا خود دانی به نتیجه دلخواه یعنی همان منافع شخصی رسیده است. رسیدن به منافع، به خودی خود، یک موقعیت است که هیجان شادی را در پی دارد. هرچند این شادی، در حیطه خود دانی است، اما در هر صورت، شادی است.

درواقع در لحظه اجرای موقعیت تمرکز افراد بر نتیجه آنی و اثربخشی رفتار است، اما با تغییر موقعیت، تمرکز از نتیجه آنی به تبعات جانبی و اثرات بلندمدت و پایای رفتار معطوف می‌شود. مکانیزم این تغییر بر اساس تغییر توجه از نتیجه آنی به تبعات بلندمدت و جانبی یک عمل قابل تبیین است. هیجانی که مصاحبه‌شونده در پی پاسخ به پرسش اول ارائه می‌دهد مربوط به تبعات آنی و هیجانی که در پی پاسخ سوم به هیجان ارائه می‌کند ناشی از نتایج غیر آنی است، پس یادآوری به‌مثابه ابزاری برای تغییر کانون توجه از تبعات آنی به تبعات غیر آنی و از منافع به مصالح (طباطبایی، بی تا) عمل می‌کند؛ به عبارت دیگر، در موقعیت رفتار غیراخلاقی، تمرکز بر منافع و موفقیت در به انجام رساندن کار و فعالیت خود دانی است، بدون اینکه عواقب و ماهیت کار مورد نظر باشد. درحالی که در موقعیت دوم و زمان یادآوری، با فاصله گرفتن از آن موفقیت می‌تواند به عواقب و ماهیت کار نیز بیندیشد و جنبه عالی خود را فعال کند.

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، تفکیک بین موفقیت کسب‌شده در موقعیت غیراخلاقی با خود رفتار غیراخلاقی از اهمیت بسیاری برخوردار است. هرچند افراد رفتار غیراخلاقی را می‌شناسند و آن را غیراخلاقی و منفی ارزیابی می‌کنند، نمی‌توانند موفقیت کسب‌شده در موقعیت غیراخلاقی را نادیده بگیرند. فردی که

پاسخ ۷۷ نفر از آزمودنی‌ها به هر دو پرسش قابل نمره‌گذاری و جمع نهایی جدول توافقی بالا ۷۷ بود. تعداد داده‌های جدول ۴ به این علت کمتر از تعداد داده‌های داستان هل دادن است که این داستان برای تعداد ۷۷ نفر از کودکان طرح شده و معتبر است و برای بقیه، صرفاً داستان هل دادن مطرح شده یا داده‌های جمع‌آوری شده معتبر نیستند.

بر اساس نتایج معناداری تفاوت بین دو نسبت همبسته مقدار Z برابر ۱۴/۷۲ به دست آمد که می‌توان نتیجه گرفت بین دو نسبت به دست آمده در پرسش اول و پرسش سوم داستان دزدی در سطح ۰/۰۱ تفاوت معنادار وجود دارد؛ بنابراین، یادآوری موجب ایجاد تفاوت معنادار در اسناد هیجانی اخلاقی کودکان می‌شود.

در داستان دزدیدن خوراکی، از ۸۰ پاسخ معتبر برای اسناد اول شخص، ۳۰ پاسخ شاد (۳۷ درصد) و ۵۰ پاسخ ناشاد (۶۳ درصد) بود. در اسناد پس از یادآوری، از ۷۸ پاسخ معتبر ثبت شده، همگی ناشاد بوده‌اند.

جدول ۶

فرآوانی اسناد اول شخص و اسناد پس از یادآوری در داستان دزدی

اسناد پس از یادآوری			
ناشاد		شاد	
اسناد سوم شخص	۲۷	شاد	۰
	۵۱	ناشاد	۰

پاسخ تنها ۷۸ نفر از آزمودنی‌ها به هر دو پرسش قابل نمره‌گذاری بوده است. بر اساس نتایج معناداری تفاوت بین دو نسبت همبسته مقدار Z برابر ۴/۲۷ به دست آمد که می‌توان نتیجه گرفت بین دو نسبت به دست آمده در پرسش دوم و پرسش سوم داستان دزدی در سطح ۰/۰۱ تفاوت معنادار وجود دارد و یادآوری موجب ایجاد تفاوت معنادار در اسناد هیجانی اخلاقی کودکان می‌شود.

بحث

بر اساس نتایج پژوهش، خود عالی و خود دانی، هر دو امکان کسب موفقیت دارند و برای کسب موفقیت خود، شادی را اسناد می‌دهند. بر همین اساس، کودک در پاسخ به پرسش اول که اسناد سوم شخص در موقعیت غیراخلاقی و موفقیت کسب منافع است،

دزدی کرده، همزمان دارای دو هیجان است؛ ناراحتی از رفتار غیراخلاقی که انجام داده و خوشحالی از اینکه تصمیم او به نتیجه رسیده است. فرض بر این است که یادآوری می‌تواند موجب فعال شدن قضاوت فطری اخلاقی فرد شود و بر این پدیده اثر بگذارد؛ بنابراین با توجه به اینکه راهکاری جدید بر اساس چارچوب نظری اسلام ارائه داده، نوآرانه است.

به‌کارگیری اندیشه‌های دینی در مورد فطرت (جوادی آملی، ۱۳۷۸؛ مطهری، ۱۳۷۰؛ طباطبایی؛ بی‌تا) و وجود قضاوت اخلاقی درونی (قرآن، سوره الشمس، آیه ۷ و ۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۷، ص ۱۶۶؛ جوادی آملی، ۱۳۹۲) و نیز یادآوری (جوادی آملی، ۱۳۷۸، قائمی‌مقدم، ۱۳۸۷) این انتظار را ممکن می‌سازد که تعریف قربانی‌کننده شاد بر اساس شواهد به‌دست آمده مورد انتقاد قرار گیرد و اصلاح شود، به‌طوری‌که ممکن است برخلاف سایرین (مالتی و کرتانور، ۲۰۱۳) این شواهد غالب، با عنوانی دیگر کاملاً بهنجار و طبیعی معرفی شود.

با این تبیین، آیا می‌توان امیدوار بود که اسناد هیجان قربانی‌کننده شاد، به‌خودی‌خود، مانعی برای بازداری اخلاقی باشد؟ اگر این اسناد ناشی از پختگی شناختی هیجانی باشد، چنین توجیهی صحیح نیست، به‌ویژه در مواردی که مصاحبه‌شونده در حاشیه پاسخ پرسش اسناد اول شخص اعلام می‌کند که اگر جای فرد قربانی‌کننده بود، این کار را نمی‌کردم و متوجه خوشحالی خود در این حالت است. این یک رشدیافتگی شناختی-هیجانی است، زیرا در این موقعیت، فرد از این کار غیراخلاقی راضی نیست، اما به‌درستی توان تشخیص هیجان فرد قربانی‌کننده را دارد. این تشخیص صحیح، کاملاً متفاوت با احادیثی است که بیان می‌کنند اگر کسی به رفتار ناشایست گروهی راضی باشد، ولو اینکه خود مرتکب آن فعل نباشد، جزو آنان است^۱ (شریف‌الرضی، ۴۰۶؛ ص ۶۵۵)، چراکه فهم و اسناد شادی به فردی که مرتکب رفتار غیراخلاقی شده، نشانگر رضایت از آن رفتار نیست.

یافته دیگر پژوهش تفاوت بین تفاوت اسناد سوم‌شخص و اسناد پس از یادآوری را نشان داد که بیانگر اثر بسیار زیاد یادآوری در تغییر اسناد هیجان اخلاقی در کودکان است. این یافته با تصویر

ارائه‌شده از فطرت اخلاقی در چارچوب نظری اسلامی همسو است. خواسته‌های فطرت در بسیاری از اوقات، با خواسته‌های جنبه دانی انسان تعارض دارد، برای مثال وقتی منافع شخصی، فرد را به سمت اقدامی غیراخلاقی سوق می‌دهد، بین این دو ساختار تعارض ایجاد می‌شود. بر همین مبنا در چارچوب نظری اسلامی، اگر انسان صرفاً بر اساس فطرت اخلاقی خود عمل کند، هیچ رفتار غیراخلاقی بروز نمی‌دهد. رفتار غیراخلاقی زمانی بروز می‌کند که منافع انسانی مرتبط با خود دانی، با فطرتی که درخواست اخلاقی دارد، متعارض باشد، زیرا انسان بسیط نیست و مرکب است. البته وجود فطرت یا خود دانی، فقط اقتضا و مقدمات اخلاق خوب یا بد را ایجاد می‌کند و تصمیم‌گیری نهایی بر عهده اراده شخصی است (طباطبایی، بی‌تا) و به همین دلیل خوشحالی و ناراحتی را در پی دارد (قمی، ۱۴۱۲).

وقتی فرد با اراده خود، منافعش را برخلاف فطرت اخلاقی کسب کند، در لحظه کسب منافع خوشحال است، اما وقتی منافع بیرونی از بین برود، فرد با خودش تنها شود و یاد رفتار غیراخلاقی‌اش بیفتد، چون خود دانی و منافع در میان نیست و تنها است، تصمیم اخلاقی می‌گیرد و هیجان متناسب رفتار اخلاقی بروز می‌دهد؛ بنابراین، در این پژوهش وقتی کودکان منافع را در نظر ندارند، اسناد ناشاد را به رفتار غیراخلاقی اسناد می‌دهند. به بیان دیگر، هرگاه فردی بتواند تعارض‌های منافع شخصی با رفتار اخلاقی را برطرف کند و منافع را عقب براند، امیال فطری درونی خودبه‌خود او را به‌سوی رفتار اخلاقی می‌کشاند و فطرت او خوشحال خواهد شد. در مقابل، هرگاه منافع شخصی و غیراخلاقی را ترجیح بدهد، خوشحالی را برای خود پست و دانی فراهم کرده است (امیری، ۱۳۹۱؛ کیلر و دیگران، ۲۰۰۳؛ نونر-وینکلر و سودیان، ۱۹۸۸).

بر این اساس، با یادآوری موقعیت قربانی کردن در شب و متعاقب آن، از بین رفتن منابع، درخواست‌های فطری خودبه‌خود فعال و پاسخ شادی به پاسخ ناراحتی که هماهنگ با فطرت و مخالف با منافع است تبدیل می‌شود. یادآوری موقعیت در خارج از تعارض‌های منافع، موجب یادآوری اندوخته‌های فطری می‌شود؛ در نتیجه، مداخله‌هایی که با مهلت دادن، نرخ این پدیده را کاهش داده بودند (دیاموند و دیگران، ۲۰۰۲) مورد انتقاد قرار می‌گیرد، زیرا افزون بر مهلت دادن،

۱. امیرالمؤمنین علیه‌السلام: آن کس که از کار مردمی خشنود باشد، چونان کسی است که همراه آنان بوده و هر کس که به باطلی روی آورد، دو گناه بر عهده او باشد؛ گناه کردار باطل و گناه خشنودی به کار باطل.

- حر عاملی، م. (۱۴۱۶). *وسائل الشیعه*. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- شریف الرضی، م. (۴۰۶ ق). *نهج البلاغه*. ترجمه م. دشتی. قم: نشر مشهور.
- صدر، م. ب. (۱۳۹۳). *اسلام، راهبر زندگی، مکتب اسلام، رسالت ما*. قم: دارالصدر.
- طباطبایی، م. ح. (بی تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- قائمی مقدم، م. ر. (۱۳۸۷). *روش تربیتی تذکر در قرآن کریم*. تربیت اسلامی، ۹۲-۵۷.
- قمی، ع. (۱۴۱۲). *تفسیر قمی*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- محسنی، ن. (۱۳۷۸). *از روان شناسی فرهنگی تا روان شناسی بین فرهنگی*. *مجله روان شناسی و علوم تربیتی*، ۵۸، ۹۳-۷۱.
- مطهری، م. (۱۳۷۰). *فطرت*. تهران: صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۷۲). *انسان و سرنوشت*. تهران: صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۷۳). *گفتارهای معنوی*. تهران: صدرا.
- Arsenio, W.F. (2010). Moral Psychological Perspectives on Distributive Justice and Societal Inequalities. *Child Development Perspectives*, 9(2), 91-95.
- Arsenio, W.F., Adams, E., & Gold, J. (2009). Social information processing, moral reasoning, and emotion attributions: Relations with adolescents' reactive and proactive aggression. *Child Development*, 80, 1739-1755.
- Arsenio, W. F., & Kramer, R. (1992). Victimizers and their victims: Children's conceptions of the mixed emotional consequences of moral transgressions. *Child Development*, 63(4), 915-927.
- Diamond, A., Kirkham, N. Z., & Amso, D. (2002). Conditions under which young children can hold two rules in mind and inhibit a prepotent response. *Developmental Psychology*, 38, 352-362.
- Gummerum, M., López-Pérez, B., Ambrona, T., Rodríguez-Cano, S., Dellaria, G., Smith, G., & Wilson, E. (2016). Children's moral emotion attribution in the happy victimizer task: The role of response format. *The Journal of Genetic Psychology*, 177(1), 1-16.
- Hoffman, M. L. (2000). *Empathy and moral development: Implications for caring and Justice*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Keller, M. (2004). Self in relationship. In D. K. Lapsley

فعالیت ساخت روانی فطرت بدون فعالیت خود دانی و کسب منافع آنی آن نیز در کاهش نرخ این پدیده مؤثر است.

اگرچه هویت اخلاقی که توانایی تبیین بخشی از این تغییرات از شادی به ناراحتی در قبل و بعد از یادآوری را دارد (رید و دیگران، ۲۰۰۷)، به علت تفاوت در هویت اخلاقی افراد با یکدیگر، مبین همه تغییرات نیست. درحالی که در این پژوهش، پاسخ دهندگان با نرخ حداقل ۹۹/۹۲ درصدی پاسخ متناسب و اخلاقی دادند که این امر حاکی از وجود یک ساختار درونی همگانی است تحت عنوان فطرت در اسلام است.

این فعالیت ساختار روانی کودک ممکن است همسو با آرای پژوهشگران غربی به صورت نظم جویی یا مهار شناختی بروز یابد، اما نتایج نشان می دهد این نظم جویی یا مهار شناختی، تبلور و بروز فعالیت های بنیادین دیگری است که پویایی های فطرت نام دارد و بروز آن اکتسابی و نیازمند آموزش یا حضور محرک دیگری نیست. گرایش ذاتی انسان به اخلاقی بودن رفتار، زمینه لازم برای فعال شدن این پویایی های درونی را فراهم می کند و نیاز است تا تفکر پیرامون منافع آنی، کم تر مورد توجه انسان ها قرار گیرد و بر تفکر پیرامون منافع اساسی و درازمدت انسانی تأکید شود. از این رو، یکی از توصیه های اخلاقی بنیادین اسلام به انسان ها، عدم توجه به منافع زودگذر و آنی دنیوی و توجه به کسب آخرت و رضایت خداوند است (صدر، ۱۳۹۳). اگر سایر منافع زودگذر نیز رضایت خداوندی را جلب کند، در مقام روشی برای کسب رضایت الهی و آبادانی آخرت، مورد توجه قرار می گیرد.

این پژوهش با محدودیت حجم نمونه روبه رو بود. به دلیل تعطیلات تابستانی و عدم حضور کودکان در مدارس، حجم نمونه کمی در دسترس بود. همچنین از آنجاکه این پژوهش در بافت مذهبی ایران و در محدوده جغرافیایی اصفهان انجام شد، انجام چنین پژوهشی در سایر فرهنگ ها نیز پیشنهاد می شود.

منابع

- قرآن کریم
- امیری، ش. (۱۳۹۱). اسناد و پایداری اسناد هیجانی اخلاقی در نوجوانان. *مجله روان شناسی*، ۱۶ (۶۱)، ۱۰۱-۸۴.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۷۸). *فطرت در قرآن*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۹۲). *تفسیر انسان به انسان*. قم: اسراء.

- judgments of emotion following moral transgression. *International Journal of Behavioral Development*, 16(1), 93-111.
- Murgatroyd, S. J., & Robinson, E. J. (1997). Children's and adults' attributions of emotion to a wrongdoer: The influence of the onlooker's reaction. *Cognition & Emotion*, 11(1), 83-101.
- Nichols, S. (2002). Norms with feeling: towards a psychological account of moral judgment. *Cognition*, 84, 221-236.
- Nunner-Winkler, G. (2007). Development of moral motivation from childhood to early adulthood. *Journal of Moral Education*, 36, 399-414.
- Nunner-Winkler, G. (2009). Human Development from Early Childhood to Early Adulthood: Findings from a 20 Year Longitudinal Study. In W. Schneider & M. Bullock (Eds.), *Moral motivation from childhood to early adulthood* (pp.91-118). New York: Psychological Press.
- Nunner-Winkler, G., & Sodian, B. (1988). Children's understanding of moral emotions. *Child Development*, 59, 1323-1338.
- Reed, A., Aquino, K., & Levy, E. (2007). Moral identity and judgments of charitable behaviors. *Journal of Marketing*, 71, 178-193.
- Smith, C. E., Chen, D., & Harris, P. L. (2010). When the happy victimizer says sorry: Children's understanding of apology and emotion. *British Journal of Developmental Psychology*, 28(4), 727-746.
- Wiersma, N., & Laupa, M. (2000). Young children's conceptions of the emotional consequences of varied social events. *Merrill-Palmer Quarterly*, 46(2), 325-341.
- & D. Narvaez (Eds.), *Morality, self, and identity: Essays in honor of Augusto Blasi* (pp. 269-300). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Keller, M., Lourenco, O., Malti, T., & Saalbach, H. (2003). The multifaceted phenomenon of happy victimizers: A cross-cultural comparison of moral emotions. *British Journal of Developmental Psychology*, 21, 1-18.
- Krettenauer, T., Jia, F., & Mosleh, M. (2011). The role of emotion expectancies in adolescents' moral decision making. *Journal of Experimental Child Psychology*, 108, 358-370.
- Malti, T. (2007). Moral emotions and aggressive behavior in childhood. In G. Steffgen & M. Gollwitzer (Eds.), *Emotions and Aggressive Behavior in childhood* (pp.185-200). Gottingen: Hogrefe & Huber.
- Malti, T. (2012). *Adolescent Emotions, development, morality, and application*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Malti, T., & Krettenauer, T. (2013). The relation of moral emotion attributions to prosocial and antisocial behavior: A meta-analysis. *Child Development*, 84(2), 397-412.
- Minnameier, G. (2010). The problem of moral motivation and the happy victimizer phenomenon: Killing two birds with one stone. *New Directions for Child and Adolescent Development*, 129, 55-75.
- Minnameier, G. (2012). A cognitive approach to the 'happy victimizer'. *Journal of Moral Education*, 41(4), 491-508.
- Minnameier, G., & Schmid, S., (2013). Situational moral adjustment and the happy victimizer, *European Journal of Developmental Psychology*, 10(2), 253-268.
- Murgatroyd, S. J., & Robinson, E. J. (1993). Children's